

## نامه سرگشاده به خانم شطرنج، مسئول یکی از تجمعات ایرانی در هامبورگ!

از آنجائی که من از بعضی از دوستان مانند خانم فرهوش شنیده ام که شما در باره من مسائلی را مطرح می کنید که با تکیه بر آنها اقداماتی را انجام دهید، من بر آن شدم که توسط این نامه و دستنویس توضیحاتی به شما بدهم و کار شما را راحتتر نمایم. بدیهی است که این نامه را هر کسی می تواند بخواند و شما هم مجاز به هر استفاده ای از آن هستید.

Also دوست عزیز!

شما مدعی هستید که من انواع عکسهای سکسی دارم و آنها را در اختیار دیگران می گذارم و از آقای ضیا بخشائی هم به عنوان شاهد نام برده اید. من با این نامه ادعای شما را تائید کرده و صحت گفته های شما را به اثبات می رسانم.

شما می توانید گفته های ایشان را بدون هیچ تحقیقی از من باور داشته باشید.

من برای اینکه به شما شناخت بیشتری از خودم بدهم توضیح میدهم که من اساسا طرفدار فلسفه F.K.K هستم و بر این اساس هم با کمال میل در فصول گرما در فضاهای باز و مناطق F.K.K برای شنا می روم و حمام آفتاب می گیرم. پرواضح که دوستان من از ایرانی و غیر ایرانی هم می توانند همراه من باشند یا حتی عکس بگیرند.

برای من این عکسها همان قدر زیبایی دارند که عکسهای دیگر در جاهای دیگر.

در یکی از این مواقع بود که یکی از دوستانم به نام حمید پیشنهاد می کند که از من فیلمبرداری کند که من نه تنها مانعی در آن نمی بینم بلکه استقبال هم می کنم. این فیلم را بعضی از دوستان من در خانه من دیده اند. خیلی فیلم جالب و خاصی نیست ولی اگر شما هم دوست داشته باشید می توانم آن را در اختیار شما بگذارم.

برای اطلاع بیشتر شما من یک بار هم مدل لخت برای یکی از نقاشان بسیار عزیزمان شده بودم که ایشان چندین ماه پیش فوت کردند.

بهرحال دوست عزیز!

من از این عکسها یا فیلمهای خودم هیچگونه شرمی ندارم و آنها را مثل بقیه عکسهایم دوستشان دارم چرا که بخشی از زندگی و فلسفه زندگی من هستند. خوشبختانه تا به حال هم با هیچکدام از دوستانم از آلمانی و ایرانی و افغانی و کرد و عرب و غیره مشکل خاصی نداشته ام که قابل حل نباشند.

در تمام برنامه های خود از شنای گروهی از این طرف دریاچه تا آن طرف، حمام آفتاب گرفتن، والیبال، قایق سواری، سونا و دیگر تفریحات لذت و خوشی خودمان را داشته ایم و افتخارم همیشه این است که از زن و مرد دوستان خوب و با فرهنگ داشته ام و دارم.

برای روشنگری بیشتر دیدگاه خودم من یکی از اشعارم را به نام

" به من می گویند بی بند و باری"

را ضمیمه می کنم که شاید تا حدی راهگشای حل اختلاف نظرات ما باشد.

در آخر خانم عزیز که واقعا نمی دانم خشونت و نامهربانی های شما به من از کجا نشأت می گیرد آرزو می کنم که همه ما روزی به جایی برسیم که مستقیم و چشم در چشم همدیگر بدون خشم و نفرت با همدیگر مناظره و مباحثه نمائیم و اینقدر مخربانه و کوبنده نسبت به همدیگر رفتار نکنیم.

به امید ارتقاء فرهنگ گفتگو در تمام جوامع انسانی

و فرهنگ صحیح مباحثه بویژه در مجامع ایرانی

**زیبا** 12.10.05

( آلمانی ) آزادی فرهنگ بدن و لباس : F.K.K

بنابراین : Also

## به من می گویند بی بند و باری

به من می گویند بی بند و باری!

به من می گویند تو بیش از اندازه بازی!

حال تو ای خدای من! خوب به من گوش کن و شاهد باش و قاضی ام!

اگر تو مرا آفریده ای و تمام اعضای بدن من مقدّسند،

پس چرا باید بین آنها فرق و تبعیض قائل شوم؟

به من بگو! چه فرقی بین گوش های من و سینه های من وجود دارد؟

و بگو! چه فرقی بین دست ها و پاهای من وجود دارد؟

به من بگو! چه فرقی بین چشم های من و اعضای تناسلی ام وجود دارد؟

آیا همه آنها آفریده تو هستند یا نه؟

آیا همه تک تک اعضای من زیبا و دل انگیز و دوست داشتنی هستند یا نه؟

آیا می توانم وقتی که لخت لخت در برابرت می ایستم از خودم شرم نداشته باشم؟

آیا می توانم تک تک اعضای بدنم را لمس کنم، به آنها نگاه کنم و عاشقانه آنها را بپرستم؟

به من بگو! شرم و حیا چه معنایی دارند؟ و عفت و نجابت چه معنایی؟

به من بگو! چرا باید خودم را بپوشانم؟ و چرا نباید باز باشم؟ چرا؟

آنگاه که طاهره قره العین پرده از روی برداشت و چادر از سر،

چرا من نمی توانم پرده از روی تمام بدن بردارم؟

به من بگو! چه ایرادی در من می بینی و چه در بین پاهای من وجود دارد که نا پاک

است؟ و بگو چرا باید خون ماهانه خود را کثیف بدانم و از مدفوع و ادرار خود بیزار

باشم؟ نه! نه! من از آنها بدم نمی آید و خود را از سر تا نوک پایم دوست دارم

و نمی خواهم که برای هیچ یک از اعضای بدنم تبعیض قائل شوم!

اعضای بدن من همگی بچه های من اند و برای من همگی زیبا و شایسته هستند

و من عشقی برابر و عادلانه به آنها دارم!